

بازسازی نظام آموزش و پرورش ضرورتی حیاتی

علی رضایی

آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه پایدار و پیشرفت اجتماعی هر کشوری است. نظام آموزشی به عنوان بستری برای پرورش نسل‌های آینده، وظیفه‌ای فراتر از انتقال صرف دانش یا افزودن انبان محفوظات فرزندان کشور بر دوش دارد؛ این نهاد باید انسان‌هایی تربیت کند که از نظر فکری و اجتماعی به صورتی رشد کنند که آماده ایفای نقش در جامعه پیچیده آینده باشند.

وانگهی آموزش به عنوان یک حق بنیادین بشری در اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۲۶) و سایر معاهدات بین‌المللی نظیر میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR، ماده ۱۳) و قوانین داخلی کشورها از جمله اصل ۳۰ قانون اساسی ما به رسمیت شناخته شده است و دولت نیز تکالیف سنگینی در این بخش به عهده دارد. وظیفه دولت تنها محدود به فراهم کردن دسترسی به آموزش نیست، بلکه باید نظام آموزشی‌ای ایجاد کند که کارآمد، عادلانه و پاسخگوی نیازهای دنیای در حال تغییر کنونی باشد. در ایران، اگرچه سال‌ها تلاش‌هایی برای بهبود وضعیت آموزش و پرورش انجام شده، اما همچنان این نظام با مشکلات و نقاط ضعف اساسی مواجه است که رفع آنها مستلزم اقدام فوری و موثر دولت است. سعی می‌کنم این معضلات را تیتروار بررسی کرده و تکالیف دولت در این مورد را توضیح دهم.

۱. تمرکز بر حافظه‌محوری به جای تفکر خلاق و انتقادی

یکی از ضعف‌های عمده نظام آموزشی ایران، تمرکز بیش از حد بر آموزش حفظیات و تکیه بر امتحانات استاندارد است. این رویکرد باعث شده تا بسیاری از دانش‌آموزان، به جای درک عمیق مفاهیم و پرورش تفکر خلاق، صرفاً به حفظ مطالب درسی برای موفقیت در آزمون‌ها بپردازند. این در حالی است که در جهان امروز، پرورش مهارت‌های حل مساله، تفکر انتقادی و خلاقیت از ضروریات اساسی به شمار می‌رود.

۲. عدم توجه به عدالت آموزشی و توزیع نامتوازن منابع

نظام آموزشی ایران با مشکلات جدی در زمینه عدالت آموزشی مواجه است. تفاوت‌های چشمگیر میان مدارس مناطق مختلف کشور، به‌ویژه بین مناطق شهری و روستایی و نیز بین مدارس دولتی و غیرانتفاعی، نشان‌دهنده توزیع نابرابر منابع آموزشی است. این نابرابری‌ها، دسترسی به آموزش با کیفیت را برای بسیاری از دانش‌آموزان محروم و کم‌برخوردار محدود کرده و باعث افزایش شکاف طبقاتی در جامعه شده است. نگاهی به نتایج کنکور سراسری امسال و بررسی سابقه تحصیلی رتبه‌های برتر این آزمون بسیار درس‌آموز است.

در حالی که طبق اصل ۳۰ قانون اساسی، آموزش رایگان تکلیف حکومت و حق ملت است، کیفیت آموزش دولتی در ایران به حدی رسیده است که فقط ۷ درصد رتبه‌های برتر کنکور در مدارس دولتی درس خوانده‌اند. ثمره شعارهای توخالی این شده است که کیفیت آموزش با کیفیت و اندازه جیب پدران دانش‌آموزان تراز شده و این واقعیتی شرم‌آور است.

۳. فقدان زیرساخت‌های مناسب برای آموزش دیجیتال

با گسترش فناوری‌های نوین، اهمیت آموزش‌های آنلاین و بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال بیش از پیش آشکار شده است. با این حال، اکثر مدارس ایران از زیرساخت‌های لازم برای آموزش‌های دیجیتالی بی‌بهره‌اند. عدم دسترسی به اینترنت پرسرعت و فقدان تجهیزات مناسب در بسیاری از مناطق کشور، از چالش‌های اساسی است و به نوعی بر نابرابری‌های آموزشی دامن زده است.

۴. کمبود نیروی انسانی متخصص و امکانات آموزشی

یکی دیگر از مشکلات اساسی نظام آموزش و پرورش ایران، کمبود نیروی انسانی متخصص و امکانات آموزشی مناسب است. بسیاری از مدارس به‌ویژه در مناطق محروم، با کمبود معلمان کارآموده و منابع آموزشی کافی مواجه هستند. این امر باعث شده تا کیفیت آموزش در بسیاری از مناطق کشور به سطح مطلوب نرسد و بازدهی آموزشی کاهش یابد.

۵. برنامه‌ریزی درسی ناکارآمد و عدم انعطاف‌پذیری

برنامه‌ریزی درسی مدارس ایران، غالباً قدیمی و ناکارآمد است و به ندرت با نیازهای روز جامعه و تحولات علمی و تکنولوژیکی همگام است. در بسیاری از موارد، دروس و محتوای آموزشی به جای آماده‌سازی دانش‌آموزان برای زندگی واقعی و بازار کار، صرفاً به صورت نظری و

خشک ارائه می‌شود. این عدم تطابق میان آموزش و نیازهای واقعی جامعه، باعث بروز شکاف عمیق میان نظام آموزشی و بازار کار شده است. بحث معیشت معلمان و ملوک شدن کرامت آنان نیز داستان دنباله‌دار و پر آب چشمی است که بیان آن تکرار مکررات است. موارد فوق اهم معضلات نظام آموزشی کشور است و دولت برای رفع این مشکلات و ساماندهی نظام آموزشی وظیفه قانونی و اخلاقی دارد.

دولت مکلف است، گام‌های جدی برای اصلاح رویکرد آموزشی از حافظه‌محوری به سوی آموزش مهارت‌محور و خلاقانه بردارد. این شامل بازنگری در روش‌های تدریس، اصلاح برنامه‌های درسی و استفاده از رویکردهای نوین آموزشی است که مهارت‌های حل مساله، تفکر انتقادی، همکاری و خلاقیت را در دانش‌آموزان پرورش دهد. همچنین باید با اتخاذ سیاست‌های حمایتی و توزیع عادلانه منابع، بهبود دسترسی به آموزش با کیفیت برای تمامی دانش‌آموزان تضمین شود. این شامل افزایش بودجه برای مدارس محروم، ایجاد تسهیلات آموزشی مناسب و فراهم کردن دسترسی به فناوری‌های آموزشی در مناطق کم‌برخوردار می‌شود. تکلیف دیگر دولت، جذب و تربیت نیروی انسانی متخصص و معلمان ماهر است. ارائه آموزش‌های مداوم به معلمان و ایجاد انگیزه‌های مالی و حرفه‌ای و رفع دغدغه‌های معیشتی آنان قطعاً می‌تواند به ارتقای کیفیت تدریس و بهبود سطح آموزش کمک کند. اصلاح و به‌روزرسانی برنامه‌های درسی مدارس باید در اولویت دولت قرار گیرد. برنامه‌های درسی باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که دانش‌آموزان را برای ورود به دنیای واقعی و بازار کار آماده کنند. این شامل آموزش مهارت‌های عملی، شناخت فرصت‌های شغلی، و تلفیق آموزش نظری با فعالیت‌های کاربردی است. همچنین برنامه‌ریزی درسی باید انعطاف‌پذیرتر باشد تا بتواند با تحولات سریع علمی و اجتماعی همگام شود. مشکلات مذکور با برنامه‌ریزی دقیق و اقدامات موثر دولت قابل رفع است. دولت موظف است با تامین منابع لازم، ایجاد اصلاحات ساختاری و به‌روزرسانی رویکردهای آموزشی، نظامی کارآمد، عادلانه و مطابق با نیازهای روز جامعه را ایجاد کند. تنها در این صورت است که می‌توان آینده‌ای روشن برای نسل‌های بعدی ایران تضمین کرد.